

تحلیل و بررسی سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر در ایران

احمد موبدی (کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی)

قسمت اول



مقدمه:

سیاست جنایی، یک رشته مطالعاتی است که بر حسب داده‌ها و یافته‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناسی و باتوجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوبگر (کیفری) و پیشگیرانه دارد و در عمل، نسبت به بزهکاری و بزهکار قابل اعمال باشند.^(۱)

هرچند سیاست جنایی دارای بخشهای مختلفی است و حقوق کیفری که به تعریف محدودیت‌های رفتاری و ضمانت اجراها می‌پردازد، بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد؛ اما، این سیاست دارای بخش‌های دیگری نظیر پیشگیری از وقوع جرم و انحراف، ارزیابی عملکرد دستگاه عدالت کیفری (دادگاهها، سازمان زندان‌ها و دستگاه انتظامی) نیز می‌باشد.

حذف جرایم از جوامع، امری است محال و به همین جهت، سیاست جنایی در پی آن است که جرایم را در آستانه قابل تحمل آن جامعه خاص محدود نماید.

سیاست جنایی در هر کشور متأثر از عوامل مختلفی چون نوع حکومت، نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر آن، دین، مذهب و

ساختار دستگاه‌های مجری این سیاست بوده و به همین دلیل، سیاست جنایی تدوین شده جهت یک جامعه خاص قابل اعمال در جامعه دیگر که دارای خصوصیات متفاوتی باشد، نیست.

باتوجه به آنچه گفته شد، سیاست جنایی ضمن این‌که حقوق کیفری (نظیر قانون مبارزه با مواد مخدر) و نیز دستگاه‌های مجری این قانون (دادگاه‌های انقلاب اسلامی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها و سازمان بهزیستی) را دربرمی‌گیرد؛ شامل نظام‌های کنترل رسمی و غیررسمی دیگری نظیر وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فن‌آوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، شهرداری‌ها، رسانه‌های گروهی مثل صدا و سیما، جرایم، مسجد، محله، محیط کار، دانشگاه، مدرسه، خانواده و حتی گروه همسالان نیز می‌گردد. از آنجایی که این نهادها دارای نقش مؤثرتری در کنترل و پیشگیری از وقوع جرایم در جامعه می‌باشند، لذا جوامع همواره سعی در تقویت این نهادها دارند تا از ورود افراد به دستگاه عدالت کیفری جلوگیری و تا حد امکان نقش این دستگاه را کم‌رنگ‌تر نمایند و بدین‌وسيله از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی کاسته شود.

در ایران، نخستین روزه‌های تشکیل سیاست جنایی دولتی در زمینه مبارزه با مواد مخدر، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با ایجاد ستاد هماهنگی مبارزه با مواد مخدر در سال ۵۸، با حضور اعضای چون نمایندگان شهربانی، ژاندارمری و کمیته انقلاب اسلامی، دادگستری و وزارت بهداشتی تحقق یافت.

این ستاد با هدف تبیین برنامه‌ریزی و ایجاد خط مشی واحد در امر مبارزه با مواد مخدر و هماهنگی در نیروهای چندگانه انتظامی (شهربانی، ژاندارمری و کمیته) به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر روند مبارزه، شکل گرفت. اما همان‌گونه که از شمار اعضای آن و اهداف تشکیل این ستاد برمی‌آید، دولت در پی تدوین و ارائه یک سیاست جنایی جامع در امر مبارزه با مواد مخدر نبوده است.

در سال ۵۹، با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی، دولت در پی شدت عمل و استفاده از اهرم‌های درمانی جهت مقابله با این پدیده شوم برآمد؛ اما نتایج آماری نه تنها نشانگر کاهش جرایم مواد مخدر نبود بلکه حتی در محدود نمودن این جرایم نیز توفیقی حاصل نشد. این عدم موفقیت موجب گردید تا مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷، اقدام به تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در ماده ۳۵ نماید. به موجب ماده (۳۳) این قانون، ستاد مبارزه با مواد مخدر با شمار زیادی از اعضا تأسیس گردید.

عمده اقدامات ستاد در راستای بازپروری، درمان، نگهداری معنادان، پیشگیری از گرایش به مواد مخدر، تبلیغات، کنترل قاچاق و استفاده غیرمجاز از مواد مخدر و نیز گسترش روابط بین‌المللی بود.

اما از آنجایی که ستاد فاقد زمینه حقوقی لازم در ارتباط با پدیده مواد مخدر خصوصاً در زمینه مشارکت مردم و ارگان‌های غیردولتی بود؛ لذا در سال ۷۶، با ارائه اصلاحاتی در ماده (۳۳) قانون مبارزه با مواد مخدر، این مهم مورد توجه قرار گرفت. در این ماده ضمن ابقای ستاد مبارزه با مواد مخدر، وظایف این ارگان سیاستگذار را به شرح مذکور در ماده (۳۳) چنین مقرر نمود: «به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی، قضایی و برنامه‌های پیشگیری و آموزش عمومی، تبلیغ علیه مواد مخدر، در این ستاد متمرکز خواهد شد».

باتوجه به شمار اعضای تشکیل دهنده این ستاد و ریاست آن که عالی‌ترین مقام اجرایی کشور می‌باشد، به نظر می‌رسد، دولت در سطح کلان در پی تدوین یک سیاست جنایی جامع جهت مقابله با این پدیده شوم اجتماعی است، که البته رسیدن به اهداف نهایی

این سیاست مستلزم انجام تحقیقات قبلی در کلیه ابعاد این پدیده می‌باشد. در صورتی که صرفاً به یک بُعد از آن متمرکز شویم نتیجه آن، ترسیم تصویری ناقص از آن پدیده و ناکامی در اجرا خواهد بود. همچنان که بررسی سوابق این سیاست ما را به این نتیجه می‌رساند که ستاد، بیش از هر موضوعی به بررسی حقوق کیفری مواد مخدر توجه نموده و از سایر ابعاد تا حدودی غافل بوده است. در زیر ابتدا به نقش و جایگاه قوای حاکم (قوه مجریه، مقننه و قضاییه) در تهیه و تدوین سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر اشاره می‌کنیم و در ادامه، مکانیزم‌های اجرایی این سیاست را بررسی و در پایان نیز به اقدامات و تدابیر پیشگیری اجتماعی در کنترل جرایم مواد در ایران نگاهی گذرا خواهیم داشت.

نقش قوای حاکمه در تدوین سیاست جنایی مبارزه با مواد مخدر

الف) قوه مقننه:

در کشور ما بخش عمده این وظیفه برعهده مجمع تشخیص مصلحت نظام گذاشته شده است. این مجمع وظیفه اصلی در تدوین مقررات کیفری در زمینه مبارزه با پدیده مواد مخدر را برعهده داشته و دارد. بنابراین، در حال حاضر مجمع تشخیص مصلحت نظام محدوده‌های کیفری را تدوین و ضمانت اجراها را تعیین می‌نماید.

عدم وجود اهداف واقع‌گرایانه در جرم‌انگاری و مجازات‌ها، همچنین وجود ابهامات و خلاءهای قانونگذاری در مصوبات این مجمع، موجب عدم نیل به اهداف سیاست جنایی موردنظر گردیده است.

در تدوین این مقررات می‌بایست بدو سیاست‌های کلی و اهداف دراز مدت، میان مدت و کوتاه مدت تعیین شده و سپس مواد قانونی و ضمانت اجراها به سوی اهداف فوق جهت‌گیری شود.

قسمت دیگری از مصوبات در زمینه پدیده مواد مخدر، به مجلس شورای اسلامی تعلق دارد. بخش عمده و اصلی این مقررات شامل کنوانسیون‌های بین‌المللی به عنوان قسمتی از حقوق ماهوی در زمینه مبارزه با مواد مخدر می‌باشد. این مقررات شامل کنوانسیون‌های سالهای ۱۹۶۱، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۸ م. و پروتکل سال ۱۹۷۲ م. می‌باشد. شایان ذکر است که ایران به کنوانسیون‌های ۶۱ و ۷۱ و ۸۸ ملحق گردیده و پیوستن به پروتکل سال ۱۹۷۲ م. در دستور کار ستاد مبارزه با مواد مخدر قرار گرفته است. در این پروتکل، موادی به کنوانسیون سال ۱۹۶۱ م. اضافه شده و مواردی نیز اصلاح گردیده است.

کنوانسیون سال ۱۹۸۸ م. از جمله مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی

دوگانگی مراجع تقنینی در مواردی مشکلاتی را برای ستاد مبارزه با مواد مخدر که متولی امور اجرایی و قضایی در کشور و تدوین کننده سیاست‌های مقابله با این پدیده شوم می‌باشد، فراهم نموده است

در زمینه مبارزه با مواد مخدر است که ایران به صورت مشروط آن را در سال ۱۳۷۰ پذیرفته، اما آثار اجرای مفاد این قرارداد مهم بین‌المللی در کشورمان مشهود نیست. بسیاری از اصول مندرج در آن، راه‌کارهای اساسی را در ارتباط با مبارزه با مواد مخدر به کشورهای عضو پیشنهاد داده است. مانند ماده (۱۱) در خصوص همکاری قضایی و پلیسی در باب کنترل دلیوری (محموله‌های تحت کنترل). نظریه این که قاچاق مواد مخدر و اعتیاد از جمله جرایم بین‌المللی محسوب می‌گردند، لذا مبارزه با آن مستلزم توجه و همکاری کلیه کشورهای جهان و اجرای توافقات بین‌المللی است.

دوگانگی مراجع تقنینی در مواردی مشکلاتی را برای ستاد مبارزه با مواد مخدر که متولی امور اجرایی و قضایی در کشور و تدوین کننده سیاست‌های مقابله با این پدیده شوم می‌باشد، فراهم نموده است. از جمله قانونگذار در ماده (۳۴) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۷۶/۸/۱۷، اختیار تهیه و تدوین آیین‌نامه‌های ضروری را به ستاد مبارزه با مواد مخدر واگذار نموده و در این راستا نیز ستاد آیین‌نامه‌هایی (از جمله آیین‌نامه اجرایی قانون اخیرالذکر و آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد) را به تصویب رسانده؛ اما تهیه و تدوین مقررات موردنیاز جهت پیشنهاد به مجلس با هدف به اجرا درآوردن کنوانسیون‌های مورد اشاره ستاد مبارزه با مواد مخدر را در ایفای نقش اصلی خود مواجه با مشکلات زیادی نموده، خصوصاً این که برابر نظریه شورای نگهبان، مصوبات مجمع، حاکم بر قوانین مجلس می‌باشد و این موضوع در مواردی که قانون لاحق با مصوبات مجمع در تعارض قرار گیرد، بیشتر نمایان می‌گردد. به نظر می‌رسد، ارسال کلیه لوایح قانونی به مجلس موجب رفع این مشکلات خواهد شد.

ب) قوه مجریه:

سیاست جنایی در بخش سرکوبگر خود در چارچوب مقررات کیفری توسط دستگاه عدالت کیفری اجرا می‌گردد. لیکن بخش

عمده این سیاست که مشتمل بر مقررات و تدابیر و سازوکار دستگاه‌هایی است که وظیفه پیشگیری از وقوع جرم و انحراف در جامعه را دارند عمدتاً توسط نهادها و ارگان‌هایی به اجرا درمی‌آید که در مجموعه قوه مجریه قرار دارد و دستگاه عدالت کیفری فاقد ابزار لازم جهت ایفای چنین نقشی است. از آنجایی که قانونگذار در ماده (۳۳) قانون مبارزه با مواد مخدر، کلیه عملیات اجرایی و قضایی را در ستاد مبارزه با مواد مخدر متمرکز نموده، لذا جایگاه این نهاد در تأمین ابزار موردنیاز به منظور تحقق این بخش از سیاست جنایی بسیار مهم و اساسی است. در این راستا، تهیه و تدوین لوایح قانونی جهت ایجاد تحرک در قوه مقننه، تخصیص بودجه مناسب جهت ساخت اردوگاهها و مراکز بازپروری، توقفگاه‌ها و زندان‌ها، استفاده از کارشناسان داخلی و خارجی، ایجاد محیط مناسب برای درمان و بازسازی مرتکبین جرایم مواد مخدر، همچنین تعمیق همکاری‌های بین‌المللی، حضور فعال در محافل بین‌المللی، اصلاح ساختار اقتصادی، کمک به رفع تنگناهای مردم، بهبود وضعیت بهداشتی و معیشتی مردم خصوصاً مردم مناطق مرزنشین، بهره‌مندی مناسب از رسانه‌های گروهی و تبلیغات و جهت دادن به آنها، استفاده از پتانسیل مراکز پژوهشی، تحقیقاتی و دانشگاهی و استفاده از ضمانت اجرایی مقرر در قانون اساسی جهت اجرای مصوبات ستاد، از جمله وظایف این نهاد به شمار می‌آید.

خوشبختانه، با پیگیری دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر و تغییر ساختار این ستاد و تشکیل کمیته‌های تخصصی با هدف توجه همه جانبه به این پدیده شوم، هم‌اکنون در بخش تدوین قوانین و مقررات، همکاری جدی بین دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و آزاد اسلامی ایجاد گردیده که امید است باتوجه به روند رو به پیشرفت این همکاری، شاهد تدوین قانونی جامع و مترقی باشیم. همچنین به دنبال گسترش فعالیتهای بین‌المللی، یک پروژه همکاری تحت عنوان پروژه نوروز بین ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان ملل مشتمل بر بخش‌های کاهش عرضه، تقاضا، معاضدت قضایی و غیره به امضا رسیده است.

هدف از این طرح، فراهم آوردن چارچوب مناسبی است تا مساعدت‌هایی که قبلاً هم از سوی «UNDCP» به ایران در قالب همکاری اکو ارائه می‌گردید، تداوم یابد.

ج) دستگاه عدالت کیفری:

سیاست جنایی در زمینه مبارزه با مواد مخدر، در بخش تدابیر کیفری توسط نهادهای این دستگاه عظیم به اجرا درمی‌آید. دستگاه عدالت کیفری شامل مراجع انتظامی، قضایی و سازمان زندان‌هاست. سازمانهای دیگری چون سازمان بهزیستی و کمیته امداد، دستگاه مذکور را در ایفای نقش خود یاری می‌رسانند. در زیر به تفکیک به

بررسی نقش و جایگاه مراجع قضایی، انتظامی و سازمان زندانها در تحقق اهداف سیاست جنایی می‌پردازیم.

۱) مراجع انتظامی:

نقش نیروی انتظامی در سیاست کیفری دارای اهمیت ویژه‌ای است. در زمینه مقابله با ورود عرضه و تقاضای مواد مخدر و سرکوبی مجرمین و رویارویی فیزیکی با این معضل، پلیس نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌نماید.

وجود نیروی انسانی آموزش دیده، در اختیار داشتن تجهیزات لازم و حضور فعال این نیرو در کاهش جرایم مواد مخدر بسیار مؤثر است. از آنجایی که جرایم مواد مخدر به صورت سازمان یافته و با همکاری مجرمین کشورهای مختلف تحقق می‌یابد، ضرورت دارد نیروی انتظامی با تقویت همکاری از طریق پلیس بین‌الملل و اعزام افسران رابط و همچنین استفاده از تکنیک‌های مدرن نظیر کنترل «دلیوری»، خود را در این زمینه مجهز سازد.

اگرچه طبق آمار رسمی هر ساله بر مقدار مواد وارد شده به کشور و در نتیجه میزان جرایم ارتكابی افزوده می‌شود و اگر نسبت بالای زندانیان ناشی از اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر را به کل جمعیت زندانیان بسنجیم، در خواهیم یافت که آموزش‌ها، تجهیزات و نیروی انسانی موجود به هیچ وجه تکاپوی مقابله با این معضل را نمی‌کند. مضاف بر این، با افزایش روزافزون وظایف محوله به این نیرو (نظیر تحمیل وظایف پلیس قضایی به پلیس اداری) چاره‌ای جز برخورد گزینشی نسبت به جرایم بسیار مهم و رهانمودن بزهکاران کم‌اهمیت‌تر نمی‌ماند.

حتی مواردی نیز که به تشکیل پرونده‌های کیفری می‌انجامد، درصد مواردی که منجر به شناسایی رهبران و طراحان باندها می‌گردد، بسیار جزئی است و صرفاً ساز و کار نیروی انتظامی متوجه مجرمین طبقه دوم و سوم شده است. انجام تحقیقات کافی و شناسایی مجرمین اصلی با وجود مشکلات فراوان این نیرو انتظار بیهوده‌ای است.

از آنجایی که جرایم مواد مخدر به صورت سازمان یافته و با همکاری مجرمین کشورهای مختلف تحقق می‌یابد، ضرورت دارد نیروی انتظامی با تقویت همکاری از طریق پلیس بین‌الملل و اعزام افسران رابط و همچنین استفاده از تکنیک‌های مدرن نظیر کنترل «دلیوری»، خود را در این زمینه مجهز سازد

به منظور جلوگیری از انتقادهای عمومی به عدم کارایی نیروی انتظامی، این نیرو اقدام به اجرای مانورهای مقطعی یا منطقه‌ای با قاچاقچیان جزء یا معتادان می‌نماید و به لحاظ کوتاه‌بودن این اقدامات، امکان برنامه‌ریزی درازمدت وجود ندارد و در نتیجه، چنین اقداماتی هرگز تأمین‌کننده اهداف سیاست جنایی نخواهد بود.

پرسنلی که در نیروی انتظامی ادغام گردیده‌اند دارای روحیات، آموزش‌ها و اعتقادات خدمتی متفاوت هستند و این امر به انسجام این نیرو صدمه وارد آورده است. وسایل، تجهیزات، امکانات و نیروی انسانی موجود تکاپوی مبارزه با لوازم پیشرفته قاچاقچیان را ندارد. تعداد پاسگاهها و پرسنل مستقر در آنها بسیار ناکافی است. آموزش لازم جهت مبارزه با این معضل در حد کفایت داده نمی‌شود و این موضوع از نقش مؤثر نیروی انتظامی در تحقق اهداف سیاست جنایی می‌کاهد.

توجه به گرفتاریهای این نیرو، رفع تنگناهای اقتصادی پرسنل درگیر، توسعه آموزش‌های تخصصی، در اختیار قرار دادن امکانات و تجهیزات مدرن و توسعه پاسگاههای مرزی و افزایش گشت‌های پلیس، در ارتقای کیفیت فعالیتهای نیروی انتظامی مؤثر است.

قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب سال ۷۰، در بند «۴»، یکی از وظایف این نیرو را پیشگیری از وقوع جرایم اعلام نموده است. وجود گشت‌های ویژه، حضور به موقع و مقتدرانه، برخورد مؤثر با عوامل ارتكاب جرایم و ارتقای اعتقاد عمومی نسبت به کارایی پلیس، بی‌تردید در امر پیشگیری از ارتكاب جرایم مؤثر خواهد بود. خوشبختانه، با تلاشهای دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، بخشی از نیازمندی‌های لجستیکی و مالی این نیرو تأمین و همچنین کارگاههای آموزشی جهت ارتقای سطح آگاهی‌های علمی و آشنایی پرسنل درگیر با تکنیک‌های روز، تشکیل گردیده. امید است با استمرار این تلاش‌ها شاهد تقویت نقش این نیرو در تحقق اهداف سیاست جنایی کشورمان باشیم.

۲) مراجع قضایی:

دادگاه‌های انقلاب در زمینه اجرایی سیاست جنایی، به صورت مختلف ایفای نقش می‌نمایند. داشتن روشی هماهنگ در برخورد با معضلات ناشی از جرایم مواد مخدر، آشنایی آنان با آخرین دستاوردهای حقوقی و همسو شدن نقطه نظرات مراجع قضایی در جهت تحقق اهداف سیاست جنایی، دارای جایگاهی ویژه در امر مبارزه با مواد مخدر می‌باشد. اعمال نظرهای سلیقه‌ای و پیروی از گرایش‌های مختلف در اجرای قوانین و مقررات، موجب دورافتادن از سیاست جنایی مطلوب خواهد شد. در این راستا، قوانین باید به گونه‌ای تهیه و تصویب بشوند که امکان اعمال نظر شخصی تا حد امکان محدود گردد.

هر چند سیاست جنایی دارای بخش‌های مختلفی است و حقوق کیفری که به تعریف محدودیت‌های رفتاری و ضمانت اجراها می‌پردازد، بخش کوچکی از آن را تشکیل می‌دهد؛ اما، این سیاست دارای بخش‌های دیگری نظیر پیشگیری از وقوع جرم و انحراف، ارزیابی عملکرد دستگاه عدالت کیفری (دادگاهها، سازمان زندان‌ها و دستگاه انتظامی) نیز می‌باشند

که دارای پیچیدگی زیاد بوده نیز تأخیر زیاد در رسیدگی را به دنبال داشته که این امر نیز وصول به اهداف سیاست جنایی را بعید ساخته است.

استفاده قضات از نهادهایی مانند تعلیق یا آزادی مشروط و مراقبت‌های پس از آزادی و با در نظر گرفتن موضوعاتی چون وضع اجتماعی، سوابق زندگی مرتکب، اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم شده، اظهارات و راهنمایی‌های وی در کشف جرم و دستگیری سایر همدستان، می‌تواند بازتاب ارزنده‌ای در رسیدن به اهداف سیاست جنایی تدوین شده داشته باشد. (اصلاح ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی باتوجه به منطق فوق ضروری است)

باتوجه به این که اکثر مواد قانونی مبارزه با مواد مخدر به گونه‌ای تدوین شده که به قضات قدرت مانور زیادی را در اعمال ضمانت اجراها می‌دهد؛ لذا اگر سیاست جنایی مذکور، مورد پذیرش آنان باشد و ایشان به پیروی از اهداف آن معتقد گردند، امید زیادی می‌رود که برخورد با این پدیده اجتماعی جهت مشخص و مطلوبی را به سوی اهداف مورد نظر بگیرد.

از دیگر معضلاتی که در این بین وجود دارد، عدم نظارت قضات در مرحله اجرای حکم است؛ یعنی، بعد از صدور حکم، حاکم دادگاه، مجرم را روانه سازمان دیگری می‌کند که هیچ آشنایی با پرونده و محکوم و نحوه و علل ارتکاب جرم ندارد. لذا ضروری به نظر می‌رسد که قاضی همواره به مرحله اجرای حکم نظارت داشته باشد تا در صورت بهبود وضعیت مرتکب، نوع و میزان مجازات را با به کارگیری نهادهایی چون آزادی مشروط و یا حتی پیشنهاد عفو، منطبق با شرایط فعلی محکوم نماید. کمیته امور حقوقی و قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر بدین منظور کارگاه‌های آموزشی را جهت نزدیک نمودن دیدگاه‌های قضات رسیدگی کننده تشکیل داده تا با حضور قضات سراسر کشور ضمن این که امکان انتقال تجربیات فراهم شود، مراجع قضایی با تاءسیسات مدرن حقوقی آشنا گردیده

قانون مبارزه با مواد مخدر در مواردی به گونه‌ای تدوین شده که امکان تفسیر موسع و برداشت دو یا چندگانه را از مواد قانونی توسط قضات فراهم آورده. از آنجایی که تفسیر مواد قانونی به نوعی وضع محدوده‌های جدید کیفری است؛ لذا، چنانچه قضات در تفسیر این مواد، دارای نقطه نظرات مختلفی باشند، مسلماً از اهدافی که به آن اعتقاد دارند پیروی می‌کنند، نه از سیاست جنایی تدوین شده. همین موضوع در انتخاب نوع مجازاتی که به مجرمین تحمیل می‌گردد و یا استفاده از تأسیسات حقوقی نظیر آزادی مشروط یا تعلیق نیز متجلی است. از جمله عواملی که در جلوگیری از گسترش تفسیرهای چندگانه مواد قانونی جلوگیری می‌نماید، ایجاد رویه واحد قضایی از طریق شعب و نیز هیئت عمومی دیوان عالی کشور می‌باشد. از آنجایی که قانون مبارزه با مواد مخدر راه ایجاد رویه واحد قضایی و طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان عالی کشور را مسدود نموده و با وضع ماده (۳۲) قانون مبارزه با مواد مخدر امکان صدور آرای وحدت رویه قضایی غیرممکن گردیده؛ لذا تفسیرهایی که از باورهای هر یک از مقامات قضایی نشاءت می‌گیرد، منشاء اصدار احکام متضاد در مراجع قضایی می‌شود. و با این وصف، راهی برای همسو نمودن و جهت دادن به این رویه‌ها عملاً وجود ندارد.

بنابراین، ضروری است تا با اصلاح مقررات شکلی در قانون مبارزه با مواد مخدر، امکان طرح موارد متعارض در هیئت عمومی دیوان عالی کشور و صدور رأی وحدت رویه قضایی در زمینه جرایم مواد مخدر ایجاد شود. همچنین خلاءهای قانونی در قانون مبارزه با مواد مخدر و ایهامات موجود، در مواردی که قضات به قبح عمل ارتكابی معتقدند، اما تفسیر مضیق قوانین کیفری امکان اعمال مجازات را به فاعل جرم نمی‌دهد، قضات را به تفسیر موسع قوانین کیفری و بهره‌گیری از عباراتی که دارای معانی گسترده هستند، سوق داده است. در این صورت، نیز همسو نبودن نظرات قضات به پیروی از یک سیاست جنایی منسجم موجب دورافتادن از اهداف مورد نظر شده است.

حذف دادسرای انقلاب از سیستم قضایی کشور به دنبال اجرای قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب منجر به تراکم کاری در دادگاهها شده، که این امر موجب گردیده که قضات پرونده‌های کم‌اهمیت را با صدور آرای نظیر موقوفی تعقیب یا منع پیگرد و یا حداکثر جزای مختصر نقدی و بدون رسیدگی کارشناسانه مختومه نمایند. که این موضوع نیز موجب تجری مرتکبین شده و افزایش جرایم مواد مخدر را در پی داشته است. نظیر مواد (۱۶) و (۱۹) قانون مبارزه با مواد مخدر در خصوص اعمال مجازات نسبت به معتادان و استعمال کنندگان مواد مخدر و در مورد پرونده‌های مهم

و دیدگاه‌های آن‌ها به هم نزدیک و از یک سیاست منسجم و هماهنگ پیروی نمایند. اولین کارگاه آموزشی در ۲۱ تا ۲۳ دی ماه سال ۱۳۷۹ برگزار و موضوعات مختلف حقوقی نظیر کنترل دیوری، مجازات‌های جایگزین، شناخت کنوانسیون‌های بین‌المللی و... در این کارگاه‌ها ارائه شد و در نظر است این روند به صورت منطقه‌ای نیز ادامه یابد.

۳) سازمان زندان‌ها:

نتیجه فرایند دستگاه عدالت کیفری، اعزام افراد به محلی است به نام زندان که در ادوار مختلف، اهداف گوناگونی از ایجاد و گسترش آن دنبال شده است. در مواردی، سزا دادن افراد و تحمیل رنج و عذاب، در مواردی اجرای عدالت و در حال حاضر، بهینه‌سازی شخصیت انسانی است که با به اجرا گذاشتن امیال درونی، آرامش و امنیت جامعه را به مخاطره انداخته‌اند.

آموزه‌های مختلف جرم‌شناسی در تغییر ساختار شخصیتی زندانیان و تطبیق باورهای آنها با ارزش‌های حاکم بر جامعه و سازگار نمودن آنان روش‌های مختلفی را توصیه کرده‌اند، که معایب هر یک در طول سالیان آشکار گردیده و در نتیجه مجریان طرح‌ها را مجبور به تغییر در سیاست‌های قبلی نموده است.

آموزه‌هایی که با تحمیل مجازات زندان به افراد مخالفند هنوز جایگزین مناسبی برای این کیفر پیشنهاد نکرده‌اند لذا در مجموعه قوانین تمامی کشورهای دنیا، مجازات زندان به حیات خود ادامه داده است؛ اما با تغییر ساختار آنها و چگونگی نگهداری زندانیان سعی در رسیدن به اهداف منظور داشته‌اند.

در کشور ما، تعداد زندان‌های کشور در طول سالیان متمادی تقریباً ثابت مانده در حالی که جمعیت زندانیان بسیار افزایش یافته. اگر نگاهی گذرا به آیین نامه سازمان زندان‌ها و تمهیدات و تأسیساتی که در این مقرره پیش‌بینی شده بیندازیم به، فاصله زیاد بین اهداف پیش‌بینی شده و آنچه در عمل وجود دارد، خواهیم رسید. جمعیت زندان‌ها به حدی زیاد است که بودجه

این سازمان کفایت تأمین نیازمندی‌های اولیه زندانیان را نیز نمی‌کند و لذا، امکان برنامه‌ریزی مطلوب جهت سازگار ساختن مجرمین در چنین محل شلوغی وجود ندارد. از آنجایی که مجرمین مواد مخدر در تماس با سایر زندانیان موجب انتقال تجربیات، گسترش اعتیاد، تشکیل باندها از داخل زندان و هزاران مفسده دیگر می‌گردند؛ لذا ضرورت دارد، اولاً: این زندانیان از سایر زندانیان جدا و ثانیاً: مجرمین مواد مخدر نیز تقسیم و در گروه‌های مجزایی نگهداری شوند. خصوصاً معتادین از سایر زندانیان تفکیک گردند تا امکان برنامه‌ریزی جهت تأمین اهداف سیاست جنایی میسر گردد.

امتزاج و شلوغی بیش از حد زندان‌ها مشکلات فراوانی را برای کشور ایجاد نموده؛ به صورتی که هر از چندگاهی، قوه قضاییه فهرست تعدادی از زندانیان را جهت عفو پیشنهاد می‌نماید تا امکان پذیرش گروه جدید فراهم شود. متأسفانه، در هیأت‌های عفو نیز بررسی جدی روی زندانیانی که اسامی آنها به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال می‌گردد به عمل نمی‌آید و افرادی که مشمول عفو می‌گردند پس از مدت کوتاهی به حرفه قبلی خود بازگشته و مجدداً در فرایند دستگاه عدالت کیفری گرفتار می‌شوند.

خوشبختانه، با مدیریت مناسبی که در سالهای اخیر در زندان‌ها اعمال گردیده و پشتیبانی‌های مالی که از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر از این سازمان به عمل آمده، تعداد زندان‌ها افزایش یافته و زمینه جداسازی زندانیان و انجام برنامه‌ریزی مناسب جهت اصلاح زندانیان فراهم شده، که امید است با استمرار این امر شاهد کاهش آثار سوء ناشی از حضور زندانیان در زندان‌ها باشیم.

ادامه دارد

پی‌نوشت:

۱. نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، دانش‌نامه جرم‌شناسی، ص ۸۸. (سیاست جنایی علم مطالعه فعلی است که دولت در زمینه پیشگیری و سرکوبی جرایم بسط و گسترش می‌دهد.)

سیاست جنایی در هر کشور متأثر از عوامل مختلفی چون نوع حکومت، نظام اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر آن، دین، مذهب و سبک‌های زندگی است. مجری این سیاست بوده و به همین دلیل، سیاست جنایی تدوین شده جهت یک جامعه خاص قابل اعمال در جامعه دیگر که دارای خصوصیات متفاوتی باشد، نیست.

